

* * * گفتگوی دینی موضوع * * *

دیگر کاربرد ندارد dna موضوع : لعان برای نفی تعلق فرزند با وجود آزمایش
Started at ۱۳۹۶/۰۴/۳۱ ۱۵:۵۳ by علی پارساپور (a.p)
Visit at <http://www.askdin.com/showthread.php?t=60046>

[پست 1]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : ۱۳۹۶/۰۴/۳۱ ۱۵:۵۳
دیگر کاربرد ندارد dna عنوان : لعان برای نفی تعلق فرزند با وجود آزمایش

با سلام
دانیم لعان برای اثبات زناى زن دایمی یا نفی فرزند او توسط همانطور که می
مرد (شوهر) به کار می رود
اطلاعات بیشتر در اینجا
<http://www.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%B9%D8%A7%D9%86>

حال فرض کنیم مردی به دروغ فرزند خود را با انجام لعان تکذیب نماید و با
انجام اینکار از قبول وظایف پدری شانه خالی کند
بهبتر نبود که با این پیشرفت های علمی حکم لعان برای نفی فرزند در قانون منسوخ
استفاده شود dna و به جای آن از آزمایش

[پست 2]

نویسنده : مدیر ارجاع سوالات
تاریخ : ۱۳۹۶/۰۵/۰۶ ۰۹:۴۸

با نام و یاد دوست

http://askdin.com/gallery/images/22107/1_erjae1.jpg

کارشناس بحث: استاد عامل

[پست 3]

نویسنده : عامل
تاریخ : ۱۳۹۶/۰۵/۰۸ ۰۸:۳۶

بسم الله الرحمن الرحيم

با عرض سلام و احترام

مقدمتا باید عرض کرد که لعان و قسم در مجامع قضایی و اجرای احکام فقهی متاخر از دلیل و بینه هستند. بنابراین تا زمانی که دلیل معتبر در دسترس باشد، نباید سراغ قسم یا لعان رفت. در برخی روایات هم در ضمن بیان حجیت علم قاضی، به این تقدم و تاخر اشاره شده است. بطوری که بعضی از انبیاء گذشته از قضاوت بین مردم آوردند که چگونه حکم کنیم در حالیکه از کیفیت قضیه کردند و عذر می‌شانه خالی می‌فرماید: با و موضوع بی اطلاع هستیم و به آن علم نداریم؟ خداوند به آنها می‌آورد (استناد شهادت و بینه و اگر نبود به قسم دادن طرف مقابل قضاوت کنید. 1) بنابراین حصول علم از راه معتبر، قاضی را ملزم به حکم مطابق با دلیل خواهد و دیگر آزمایشات علمی باید DNA کرد. الا اینکه اعتبار دلایل پزشکی مانند آزمایش ثابت شده و از طرفی پذیرش این دلایل علمی جدید با مبانی مرجع نیز سازگار باشد با توجه به مطالب گذشته، غالب مراجع در این زمینه قائل به اعتبار علم قاضی شده و فرموده اند:

http://uupload.ir/files/loqi_10.jpg (<http://uupload.ir/>)
ر.ک: <http://vakilghasemian.blogfa.com/post-15.aspx>

نکته: وجود احکامی مانند قسم و لعان به عنوان حکم جایگزین برای زمانی است که بینه و دلیل قطعی در دسترس نباشد و به عبارتی این احکام در طول هم اند؛ بطوری که اگر دسترسی به مرتبه متقدم میسر نبود، سراغ مرحله دوم می‌رویم. بنابراین و ... به عنوان یک حکم جایگزین معتبر DNA حتی در صورت حجیت آزمایشهایی مانند خواهد بود.

1. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ ص
أَنَّ نَبِيَّائِ مِنْ الْأَنْبِيَاءِ شَكَا إِلَيَّ رَبِّهِ الْقَضَاءَ
فَقَالَ كَيْفَ أَقْضِي بِمَا لَمْ تَرَ عَيْدِي وَلَمْ تَسْمَعْ
أُذُنِي فَقَالَ أَقْضِ بِبَيْتِهِمْ بِالْبَيْتَاتِ وَأَضْفِهِمْ إِلَيَّ
(اسمعی یا حلفون بیه... (کلینی؛ الکافی؛ ج 7؛ ص 414)

[پست 4]

(a.p) نویسنده : علی پارساپور
تاریخ : ۱۳/۰۵/۱۳۹۶ ۱۳:۵۰

فرض کنید شوهری همسر خود را در حالت زنا دید

(و به جای قتل زانی و زانیه (با حصول شرایطی

با مراجعه به محکمه مراسم لعان صورت گرفت

حال شوهر منکر الحاق فرزند به خود است

در صورتی که زن در آن حال وسیله ی پوششی ای مثل ک ان د وم را استفاده و در

واقع از همسرش حامله است

طبق مواد زیر از قانون مدنی

برند و همچنین فرزندی که ماده ۸۸۲ - بعد از لعان، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی

برد لیکن فرزند به سبب انکار او، لعان واقع شده، از پدر و پدر از او ارث نمی

مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث

برندمی.

و

برد لیکن از ماده ۸۸۳ - هر گاه پدر بعد از لعان رجوع کند پسر از او ارث می
بیرندارحام پدر و همچنین پدر و ارحام پدری از پسر ارث نمی

بر لعان نشده است (dna هیچ صحبتی از ارجعیت دلیل(آزمایش
یعنی نفی فرزند با لعان پدر قطعیت

@@

طور دیگر مطرح می کنم

@@

یعنی می فرمایید به فرض سوال اگر مرد به دروغ ادعا کرد زن خود را با مردی
اجنبی در حال کشتی عاشقانه دیده و کاری در آن لحظه نکرده و درخواست لعان
داده است

محکمه بعد از اجرای لعان، تعلق فرزند به شوهر را مورد بررسی قرار می دهد و یا
قبل از آن با کمک شواهد علمی تعلق فرزند را بررسی می کند
در حالی که چنین موردی را جایی نخوانده ام
لطفا منبع بدهید

یک سوال مرتبط دیگر

چرا در ازدواج موقت که در حال حاضر مذهب شیعه به آن معتقد است
(براحتی مرد می تواند فرزند خود را نفی کند(مثلا به دروغ
تکلیف بچه چیست

توان فرزند را نفی نمود به طور کلی با دو قاعده ی لعان و فراش می
در باب قاعده ی فراش به این لینک

<http://iran-newspaper.com/NewsPaper/BlockPrint/82200>

و این مواد قانون مذکور رجوع کنید

ماده 1158: طفل متولد در زمان زوجیت ملحق به شوهر است مشروط بر اینکه از
تاریخ نزدیکی تا زمان تولد کمتر از 6 ماه و بیشتر از 10 ماه نگذشته باشد

ماده 1161: در مورد مواد قبل هرگاه شوهر با صراحت یا به طور ضمنی اقرار به
ابوت خود کرده باشد دعوی نفی ولد از او مسموع نخواهد شد

ماده 1162: در مورد مواد قبل دعوی نفی ولد باید در مدتی که به عادت پس از
تاریخ اطلاع یافتن شوهر از تولد طفل برای امکان اقامه دعوی کافی است اقامه شود
و در هر حال دعوی مزبور پس از انقضای دو ماه از تاریخ اطلاع یافتن شوهر از
تولد طفل مسموع نخواهد بود.

لعان و فراش برای نفی فرزند منتفی است, dna صحبت کلی این است با آزمایش

[پست 5]

نویسنده : عامل

تاریخ : ۱۳۹۶/۰۵/۱۹ ۱۰:۱۳

سلام

در حالی که چنین موردی را جایی نخوانده ام

در مورد سوال شما که بنده از چند مرجع تقلید، نظراتی رو در پاسخ اصلی بیان
کردم. غالب این بزرگواران حصول علم را بر اماره مقدم کرده بودند

اما اینکه چه رابطه ای بین فقه و قانون قضائی هست و چرا در برخی موارد عینیت
نیست را باید از کارشناسان فقهی و حقوقی سایت جويا شوید

در مورد ازدواج موقت هم اولاً مرد باید با علم به عدم الحاق فرزند، آنرا نفی
داشته باشد، همان بحث dna کند. ثانیاً اگر زن یقین داشته و دلیل علمی مانند
حصول علم و تقدم آن بر اماره خواهد بود که گذشت

[پست 6]

نویسنده : محی الدین
تاریخ : ۱۶:۵۶ ۱۳۹۶/۰۵/۱۹

با سلام

دانیم لعان برای اثبات زناى زن دایمی یا نفی فرزند او توسط همانطور که می
مرد (شوهر) به کار می رود
اطلاعات بیشتر در اینجا
<http://www.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%B9%D8%A7%D9%86>

حال فرض کنیم مردی به دروغ فرزند خود را با انجام لعان تکذیب نماید و با
انجام اینکار از قبول وظایف پدری شانه خالی کند
بهتر نبود که با این پیشرفت های علمی حکم لعان برای نفی فرزند در قانون منسوخ
استفاده شود dna و به جای آن از آزمایش

سلام

تا وقتی این آزمایش به هر نحوی ممکن نباشد حکم لعان کارکرد ظاهری خودش را
دارد
یا علیم

[پست 7]

نویسنده : عامل
تاریخ : ۰۷:۱۸ ۱۳۹۶/۰۵/۳۱
عنوان : جمع بندی

بسم الله الرحمن الرحيم

سوال:

احکامی مانند لعان (برای نفی فرزند)، کارایی خود را از DNA آیا با وجود آزمایش
دست نمی دهند؟

پاسخ:

مقدمه؛ لعان و قَسَم در مجامع قضایی و اجرای احکام فقهی، متاخر از دلیل و
بینه هستند. بنابراین تا زمانی که دلیل معتبر در دسترس باشد، نباید سراغ قسم
یا لعان رفت. در برخی روایات هم در ضمن بیان حجیت علم قاضی، به این تقدم و
تاخر اشاره شده است. بطوری که بعضی از انبیاء گذشته از قضاوت بین مردم شانه
آوردند که چگونه حکم کنیم در حالیکه از کیفیت قضیه و کردند و عذر می خالی می
فرماید: با استناد موضوع بی اطلاع هستیم و به آن علم نداریم؟ خداوند به آنها می
شهادت و بینه و اگر نبود به قسم دادن طرف مقابل قضاوت کنید. (1) بنابراین حصول
علم از راه معتبر، قاضی را ملزم به حکم مطابق با دلیل خواهد کرد. البته
و دیگر آزمایشات علمی باید ثابت شده و از DNA اعتبار دلایل پزشکی مانند آزمایش
طرفی پذیرش این دلایل علمی جدید با مبانی مرجع نیز سازگار باشد.

با توجه به مقدمه پیشین، غالب مراجع در این زمینه قائل به اعتبار علم قاضی
شده و حکم مطابق با علم را کافی و بلکه لازم دانسته اند. در ادامه به نظر
برخی مراجع در مورد اعتبار آزمایشات ژنتیک اشاره خواهد شد.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی(مد ظله): نَسَب، به استناد آزمایش های مذکور ثابت نمی شود ولی اگر کسی شخصا علم به نَسَب پیدا کرد، خودش موظف به تاثیر آثار آنست و الله العالم.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی(ره): اگر برای قاضی علم حاصل شود که کودک برای فرد مورد نظر است، کودک به او ملحق می شود.

حضرت آیت الله سید عبد الکریم موسوی اردبیلی(ره): اگر آزمایشات به قدری دقیق باشد که برای نوع افراد کارشناس نیز سبب قطع و یقین جهت انتساب فرزند به شخص آن مرد باشد، جهت انتساب فرزند به او کافی است.

حضرت آیت الله نوری همدانی(مد ظله): اگر علم حاصل شود، می تواند حکم به وجود نَسَب کند.

مقام معظم رهبری(مد ظله): حجیت ندارد، مگر در صورت حصول یقین.

بنابراین احکامی مانند قسم و لعان به عنوان حکم جایگزین، برای زمانی است که بینه و دلیل قطعی در دسترس نباشد و به عبارتی این احکام در طول هم اند؛ بطوری که اگر دسترسی به مرتبه متقدم میسر نبود، نوبت به مرحله دوم می رسد. بدین و ... احکامی مانند لعان، به DNA ترتیب حتی در صورت حجیت آزمایشهایی مانند عنوان یک حکم جایگزین معتبر خواهند بود.

1. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: فِي كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ ص
أَنَّ نَبِيَّائِ مِّنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَرًا إِلَيَّ رَبِّهِ الْقَضَاءُ
فَقَالَ كَيْفَ أَقْضِي بِهِمَا لَمْ تَرَ عَيْدِي وَلَمْ تَسْمَعْ
أُذُنِي فَقَالَ أَقْضِ بِعَيْدِي وَ أَسْمَعِ بِهِمَا إِلَيَّ
(اسمعی یا حلفون به... (کلینی؛ الکافی؛ ج 7؛ ص 414)
2. <http://vakilghasemian.blogfa.com/post-15.aspx>
(<http://vakilghasemian.blogfa.com/post-15.aspx>)